

مقدمه

السيف الصنيع لرقاب منكري علم البديع عنوان كتابی است درباره علم بديع و علوم مربوط به آن که به قلم زیبای فقیه و ادیب معاصر مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی و با تحقیق و تعلیقات ارزشمند فاضل گرامی مجید هادی زاده، به وسیله کتابخانه تخصصی ادبیات (المکتبة الادبية المختصة) در بهار ۱۳۸۵ شمسی به زیور طبع آراسته شده است.

این کتاب از زیباترین و مهم ترین تألیفات در زمینه علم بديع است که یکی از دانشمندان فارسی زبان آن را نگاشته است؛ دانشمندی که در استفاده بجا از الفاظ و رعایت نکات مربوط به فصاحت و بلاغت بسیار چیره دست و از نظر داشتن قلمی روان و سحرانگیز، ادبای زبردست عرب زبان را به اعجاب و تحسین واداشته است؛ تا آنجا که برخی از فارسی زبانان معاصروى، این گونه سره نویسی عربی را بر او که عرب نیست، خرده گرفته و گفته اند: «إن عبارة عریقة في العربية لا تشبه متعارف الكتب الأصولية».

البته مؤلف نیز به اینان پاسخ داده که: «از نوجوانی با چنین قلم و این گونه نوشتن رشد کرده و خو گرفته ام و ...»^۱. در آغاز بجاست که اشاره ای کوتاه به تعریف علم بديع کنیم. علم بديع علمی است که در آرایش سخن و زینت کلام و صنایعی که نظم و نثر را زینت می دهد، گفت و گو می کند^۲. برخی هم گفته اند: «بديع دانشی است که بدان وجوهی را شناسند که سخن را قشنگ و زیبا سازد، البته پس از رعایت مطابقت سخن با مقتضای حال و روشنی دلالت آن بر مراد^۳. چون این وجوه هنگامی زیبایی کلام را سبب شود که [کلام از حسن ذاتی و گوهر اولی برخوردار باشد و] آن دوام را رعایت کرده باشد ...»^۴.

فایده علم بديع، زیبایی بخشیدن به سخن است تا بی درنگ وارد گوش شود و بی زحمت در دل نشیند. اما مقصود از وضع و

۱. شعری است از سعدی که مصرع اول آن چنین است: «آشنایان را جراحت مرهم است».

۲. این اشکال و جواب را بنگر در: وقایة الاذهان، ص ۶۰۳.

۳. ر. ک: فرهنگ فارسی معین، ص ۲۰۲.

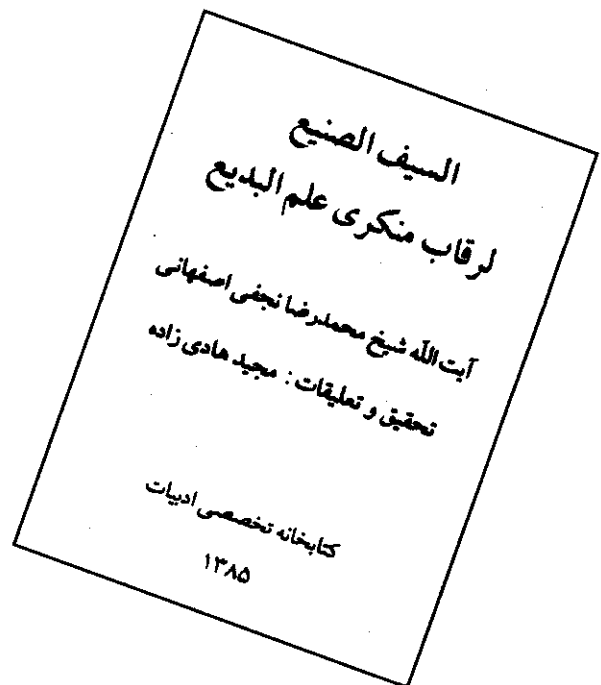
۴. این علم را در زبان عربی چنین معرفی کرده اند: «علم البديع وهو علم يعرف به وجوه تحسين الكلام بعد رعاية المطابقة و وضوح الدلالة». برای توضیح بیشتر ر. ک: کتاب المطول، نشر مکتبة الداوری، ص ۴۱۶؛ شرح المختصر، طبع قاهره، جزء دوم، ص ۱۳۵.

ز آن که شمشیر آشنایی می زند

درباره کتاب و مؤلف

«السيف الصنيع لرقاب منكري علم البديع»

مهدی باقری سیانی



السيف الصنيع لرقاب منكري علم البديع، آیت الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی، تحقیق و تعلیقات: مجید هادی زاده، کتابخانه تخصصی ادبیات (المکتبة الادبية المختصة)، ۱۳۸۵.

وی علامه شیخ محمد حسین حائری، با عنوان صاحب فصول نامبردار است.^{۱۱}

پس از وی، فرزند نامدارش آیت الله محمد باقر نجفی اصفهانی جد مؤلف و از چهره های نامور حوزه علمیه اصفهان، از شاگردان خصوصی شیخ اعظم انصاری و از موفق ترین افراد در فعالیت اجتماعی و رسیدگی به امور محرومان اجتماع در عصر خویش می باشد که شرحی بر کتاب پدرش، هدایة المسترشدين، نوشته^{۱۲} و در آن بین نظریات پدر خود، علامه شیخ محمد تقی، و استاد خویش، شیخ اعظم انصاری، قضاوت نموده است.^{۱۳}

پدر مؤلف، آیت الله حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی (م ۱۳۰۸ ق)، از مجتهدان بزرگ و سالکانی بود که در دو ساحت علم و عمل سخت نامبردار است. از این فقیه فرزانه آثار چندی بر جای مانده که مهم ترین آنها تفسیر قرآن کریم است. این تفسیر مورد توجه خاص بزرگان قرار گرفته؛ تا آنجا که محدث جلیل القدر شیخ عباس قمی گفته است: «... اگر این تفسیر تمام گشت، جامع بسیاری از علوم بود»^{۱۴}.

این تفسیر که از سوی برخی از احفاد مؤلف، نام مجدالبیان بر آن نهاده شد، در سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ ق در تهران چاپ سنگی شد و بعد از یکصد سال از درگذشت مؤلف، تحقیق و در سال ۵۰. کشف الظنون، به نقل از ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۹۳.

۶. ر. ک: لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۷۷۴.
۷. صفی الدین عبدالعزیز بن سراپا... وی در ده اول شاعران لغت عرب جا دارد و شعرش با داشتن بافت محکم، الفاظ اصیل، معانی رقیق، انسجام، سلاست و اسلوب نغز، ممتاز است. او با محافظت بر مزایای معنوی به محسنات لفظی نیز پرداخته است و از این رو، در ادب و همه فنون شعر یکی از پیشروان به شمار است؛ چنان که در رشته های دیگر علم نیز دست داشته... وی یکی از شاعران بزرگ شیعه است در سده هفتم اسلامی و به جز مدایح نبوی، در ثناگستری علی و اولاد علی نیز اشعار بسیار دارد.

۸. ر. ک: نقباً البیشر، ج ۲، ص ۷۴۹.
۹. الکافیة البدیعیه، ص ۵۱-۵۲.
۱۰. انتشارات جامعه مدرسین قم این کتاب را در سه جلد در سال ۱۴۲۱ و ۱۴۲۰ ق به زیور طبع آراست. البته وی جز این اثر، آثار دیگری نیز دارد که یکی رساله ای فقهی و نیمه استدلالی و به زبان فارسی است که با تحقیق این جانب در سال ۱۳۸۳ ش انتشار یافت و دیگری کتابی فقهی-استدلالی است با عنوان تبصرة الفقهاء که امید است به زودی تحقیق، چاپ و عرضه گردد.

۱۱. برای شرح حال این اصولی نامدار ر. ک: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۵-۲۱۳.
۱۲. این شرح در سال ۱۳۸۵ ش با تحقیق این جانب منتشر گردید.
۱۳. برای شرح حال صاحب هدایه و فرزندش شیخ محمدباقر ر. ک: قبیله عالمان دین، رساله صلاحیه و شرح هدایة المسترشدين.
۱۴. الفوائد الرضویة، ص ۵۲۹.

تدوین این علم این است که اگر چه گوهر اصلی سخن در گرو زیبایی ذاتی آن است یعنی رعایت اصول علم معانی و بیان، اما زیبایی عَرْضی نیز می تواند مورد توجه باشد و سودمند افتد... پس این وجوه و محسناتی که موجب زیبایی عرضی سخن می شوند، در اصل یا مربوط به زیبایی معنی اند- اگر چه لفظ را نیز به تبع زیبا کنند- یا مربوط به زیبایی لفظ. گروه نخست را محسنات معنوی خوانند و گروه دوم را محسنات لفظی^۵.

مشهورترین صنایع بدیعی عبارت است از: ارسال المثل، استخدام، استدراک، استشهاد، استطراد، اضراب، التفات، براعت استهلال، تأیید، ترصیع، تضمین، تلمیح، تنسیق الصفات، توریه، جناس، حسن تخلّص، ردّ العجز علی الصدر، ردّ القافیة، رد المطلع، سجع، عکس و تبدیل، صاحب کشف اصطلاحات الفنون آرد: بدیع من حیث المجموع بر علوم معانی و بیان و بدیع اطلاق می گردد.

درباره علم بدیع و صنایع بدیعی رجوع به مفتاح العلوم سکاکی و مطول نفتازانی و ابداع البدایع گرگانی و نفایس الفنون (فن هشتم از مقاله اولی از قسم اول) و کشف اصطلاحات الفنون و کشف الظنون و حدائق السحر فی دقائق الشعر رشید و طواط و ترجمان البلاغه رادویانی و صناعات ادبی جلال الدین همایی شود.^۶

این علم در زبان عرب از چنان جایگاه والا و رفیعی برخوردار است که شیخ صفی الدین حلّی^۷، صاحب کتاب شرح الکافیة البدیعیة که به عقیده برخی، مؤلف در شعر و علم بدیع از او تأثیر پذیرفته^۸، آن را برترین علوم پس از شناخت خدای عظیم دانسته و گفته است: «سزاورترین دانش ها در تقدم بر دانش های دیگر و فراگیری آنها، بعد از معرفت خدای حکیم، آگاه شدن از کلام او و فهم چیزی است که او برای هدایت انسان ها فرو فرستاده؛ تا غائله شک و توهم بر طرف گردد، و راهی به این مقصود نیست، جز فراگیری علم بدیع و آگاهی از علم بلاغت و محسنات و ظرافت های آن؛ چه اینکه با این دو، جنبه اعجازآمیز قرآن کریم و راستی پیامبری محمد(ص)، با دلیل و برهان شناخته می شود»^۹.

نگاهی به زندگی و دوران مؤلف

مؤلف این اثر در خاندانی تولد و رشد یافته که سالیان متممادی از چهره های برجسته علمی و اجتماعی عالم تشیع بوده اند.

سر سلسله این خانواده آیت الله محمد تقی رازی نجفی اصفهانی است که در بین عالمان دینی از جایگاه ویژه ای برخوردار و با مهم ترین اثر انتشار یافته اش- حاشیه بر معالم- شناخته می شود و معروف به صاحب هدایه است؛^{۱۰} همان گونه که برادر کوچک تر

۱۴۰۸ ق به وسیله مؤسسه بعثت چاپ و منتشر شد. سخن درباره خاندان مؤلف را با سخنی از او به پایان می بریم که فرمود: «یاد ندارم در عمرم نافرمانی خدا را کرده باشم؛ اگر چه به اندازه یک چشم بر هم زدن باشد»^{۱۵}.

مرحوم علامه نجفی در ۲۰ محرم ۱۲۸۷ هجری از شهر مقدس نجف اشرف در خانواده‌ای که وصف آن گذشت، چشم به جهان گشود و تا نهم سالگی در آن شهر مقدس ماند. سپس به همراه خانواده به اصفهان هجرت نمود. چندی را در این شهر ماندگار شد و سپس به سال ۱۳۰۰ ق به همراه پدر و جدّ خویش، به سوی نجف اشرف حرکت نمود. این سفر پربرکت که ۳۲ سال به طور انجمید، مؤلف محترم را به یکی از استوانه‌های علمی نامور آن ایام نجف تبدیل نمود. وی مدتی را نیز در کربلا ساکن بود و پس از آن به همراه هم‌مدرس و دوست دیرین خود، آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم، به سوی ایران حرکت کرد و تا سلطان آباد اراک با هم همراه بودند و از آنجا به بعد او به اصفهان رفت و در آغازین روز سال ۱۳۳۴ ق وارد این شهر شد و تا پایان عمر (۱۳۶۲ ق)، مگر در برهه‌هایی کوتاه، در این شهر ماندگار می‌گردد.

تحصیلات و اساتید مؤلف

برخی از دانش‌هایی که وی در این دوران فرا گرفته، با اشاره به اساتید وی از این قرار است:

- علم اخلاق: آخوند ملا حسینقلی همدانی. مؤلف در رساله امجدیه از ایشان با تعبیر استاد یاد می‌کند.^{۱۶}

- تفسیر قرآن کریم: پدر علامه اش شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی و علامه ملا فتح الله شریعت اصفهانی.

- علم الحدیث: علامه ملافتح الله شریعت اصفهانی، سید مرتضی کشمیری و علامه میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل.

- فقه و اصول فقه: حضرات آیات عظام: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، حاج آقا رضا همدانی، ملا علی نهانوندی، سید اسماعیل صدر، شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد فشارکی. فشارکی مهم‌ترین استاد ایشان بوده است.

- ریاضیات هیئت: علامه میرزا حبیب الله اراکی.

- فن شعر: علامه سید جعفر حلی صاحب دیوان سحر بابل و سجع بلابل.

- علم عروض: علامه ملافتح الله شریعت اصفهانی.

- ادبیات عرب: علامه سید ابراهیم قزوینی تنکابنی.

سخن بزرگان درباره وی

آیت الله علامه سید حسن صدر کاظمی، صاحب کتاب ارزشمند تأسیس النشیعة و از مشایخ روایت مؤلف - در تقریظی که بر کتاب نجعة المرثاد^{۱۷} نگاشت، با چنین تعابیری از مؤلف یاد می‌کند: «الفاضل النبیل، نابغة العصر و وحید الدهر، الفقیه علی التحقیق و المحقق لكل غامض دقیق الشیخ ابي المجد محمد رضا الاصفهانی ...». سپس می‌نویسد: «فوجدته كصاحبه بلاتانی»^{۱۸}.

آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم بنا بر نقل حضرت امام خمینی از ایشان، می‌فرماید: «اگر آقا شیخ محمدرضا ذی فنون نبود، شیخ مرتضای زمان ما بود»^{۱۹} و یا «آقا شیخ محمدرضا، شیخ بهایی زمان ما می‌باشد»^{۲۰}. احیاگر اسلام ناب محمدی حضرت امام خمینی، از شاگردان نامور مؤلف، در کتاب ارزشمند اربعین حدیث به هنگام یاد کرد از مشایخ روایی خود، نخست از علامه نجفی یاد و ایشان را چنین توصیف می‌کند: «... الشیخ العلامة المتکلم الفقیه الاصولی الأديب المتبحر الشیخ محمدرضا آل العلامة الوفی الشیخ محمد تقی الاصفهانی - ادام الله توفیقه - ...»^{۲۱}.

گستره آثار تالیفی

یکی از توفیقات خداوند منان به مؤلف و دودمان وی، برخوردار بودن از نعمت قلم است. به عنوان نمونه، می‌توان هدایة المسترشدين و تبصرة الفقهاء را برای جد اعلای وی و شرح هدایة المسترشدين را برای جد وی، مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی، و تفسیر مجد البیان را برای پدر وی نام برد. مؤلف کتاب نیز خود در این میدان از توفیقات بالایی برخوردار بوده؛ چنان که بیش از سی اثر را برای وی بر شمرده‌اند. البته باید متذکر این مطلب شد که برخی از این آثار مفصل، برخی رساله‌هایی کم

۱۵. ر. ک: قبيلة عالمان دین، ص ۶۹.

۱۶. رساله امجدیه، ص ۲۶.

۱۷. این کتاب در سال ۱۳۸۳ ش با تحقیق دوست فاضل و گرامی جناب آقای رحیم قاسمی ضمن دفتر اول میراث حوزه اصفهان به زیور طبع آراسته گردید.

۱۸. برای متن و خط مبارک علامه سید حسن صدر کاظمی. ر. ک: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۲۴۰؛ قبيلة عالمان دین، شیخ آیت الله هادی نجفی، ص ۹۱.

۱۹. ر. ک: رساله امجدیه، مقدمه مصحح، ص ۲۷.

۲۰. این جمله به نقل از مرحوم آیت الله سید مصطفی صفائی خوانساری است. ر. ک: رساله امجدیه، ص ۲۸.

۲۱. ر. ک: اربعین حدیث، چاپ ششم، ص ۳.

طبع آراسته و عرضه خواهد شد.

عرفان و معارف الهی

رساله أمجدیه. این رساله در آداب ماه رمضان و ... است که تاکنون چهار مرتبه به چاپ رسیده است. چاپ اول آن به صورت سنگی و در سال ۱۳۴۱ ق در زمان حیات مؤلف و زیر نظر وی و آخرین چاپ آن در سال ۱۴۲۴ ق با تصحیح و تحقیق و مقدمه ارزشمند استاد گرامی حضرت آیت الله حاج آقا هادی نجفی بوده است.

تراجم

حلی الدهر العاکل فی من أدر کته من الأفضل. مؤلف در این نوشتار که محفوظ است، شرح حال جمعی از بزرگان معاصر خود را آورده و نسخه هایی از آن در اختیار حاج شیخ عباس قمی بوده و از آن در فوائد الرضویة استفاده نمود و همچنین در اختیار علامه شیخ علی کاشف الغطاء بود که وی از آن در الحصون المنیعة نقل کرده و جز این دو، مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز از این کتاب در آثار خود استفاده نموده و به آن تصریح کرده است.

فلسفه و کلام

نقد فلسفه داروین. این کتاب از مشهورترین تألیفات مؤلف نامدار کتاب است که در سه جلد تألیف شده و در جلد اول و دوم آن در سال ۱۳۳۱ ق در بغداد به چاپ رسیده است.

نقش مؤلف در بقای حوزه اصفهان و تربیت شاگردان

در این قسمت تنها به گفتاری از دوست فاضل آقای رحیم قاسمی در شرح حال مؤلف علامه این اثر بسنده می نمایم: «وجود مبارک این عالم بزرگوار در دوران نکبت بار حکومت پهلوی یکی از عوامل بقا و پویایی حوزه علمیه کهنسال اصفهان بود، و پرورش ده ها عالم فاضل که اسامی بیش از یکصد نفر از آنان را مرحوم مهدوی در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان یاد کرده، از آثار تلاش طاقت فرسای ایشان است».^{۲۳}

این فقیه نامور، طی نیم قرن تدریس صدها طالب علم را از حوزه پر فیض خود بهره مند ساخت که از میان آنها تنها به پنج تن از پر آوازه ترین شاگردان او اشاره می کنیم: حضرات آیات عظام: امام خمینی، سید محمدرضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید احمد زنجانی و سید مصطفی صفایی خوانساری.

در این زمینه خواننده محترم را به کتاب قبیلۀ عالمان دین و مقدمه کتاب حاضر و همچنین مقدمه رساله أمجدیه ارجاع می دهیم.

۲۲. ر. ک: نجعة المرآة (در ضمن میراث حوزه اصفهان، دفتر اول)، ص ۲۲۴.

۲۳. ر. ک: همان، مقدمه مصحح، ص ۲۲۳-۲۲۴.

حجم و برخی دیگر نیز تعلیقه بر بعضی کتابهاست. در این جا به عنوان نمونه از چند اثر وی نام می بریم:

فقه

۱. استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد. این کتاب به سال ۱۳۸۴ ش با تحقیق دوست فاضل و گرامی جناب آقای رحیم قاسمی چاپ و منتشر شد و به همت همو نیز کتاب به فارسی ترجمه گردید و متن کتاب در مجله فقه عربی شماره ۴۰ و متن و ترجمه با هم در مجله فقه فارسی شماره ۴۴ به چاپ رسید.

۲. ذخائر المجتهدین فی شرح معالم الدین فی فقه آل یس. این اثر ارزشمند با تأسف بسیار مفقود شده است.

۳. الروضة الغناء فی تحقیق معنی الغناء. این رساله چند بار چاپ گردید که چاپ اخیر آن به وسیله آیت الله استادی و در مجموعه رسائل پیرامون غناء و موسیقی صورت گرفت.

۴. نجعة المرآة فی شرح نجاة العباد. این اثر که وصف آن گذشت، به تعبیر علامه سید حسن صدر کاظمی «کتابی است چون مؤلف آن بی نظیر».^{۲۲}

۵. رساله ای درباره حکم فقهی دستگاه گرامافون که تحقیق آن به وسیله آیت الله استادی انجام گرفته و با عنوان «رساله ای از آیت الله نجفی مسجد شاهی» در مجله پیام حوزه (سال اول، شماره اول، ص ۹۸) به چاپ رسید و همچنین در کتاب بیست مقاله نگاهش آیت الله استادی تجدید چاپ شد.

اصول فقه

۱. إمطة الغین عن استعمال العین فی معنین.
 ۲. سمط اللآل فی مسألتي الوضع و الاستعمال.
 ۳. وقایة الأذهان و الالباب و لباب اصول السنة و الکتاب.
 این کتاب در سال ۱۴۱۳ هجری قمری که دو رساله قبل نیز ضمیمه آن است توسط مؤسسه آل البیت (ع) چاپ و عرضه گردید.

ادب

۱. السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع. کتاب حاضر.
 ۲. دیوان أبي المجد. اشعار عربی مؤلف است که در سال ۱۴۰۸ ق به کوشش و مقدمه محقق گرانقدر حجت الاسلام سید احمد حسینی اشکوری چاپ و عرضه گردید.

۳. حاشیه بر شرح واحدی بر دیوان متنبی. این نوشتار بین سال های ۳۵۴-۳۵۶ ق تنظیم شده است و به زودی با تحقیق خانم لیلا نجمی، یکی از احفاد مؤلف علامه، منتشر می شود.

۴. أداء الفروض فی شرح أرجوزة العروض. این اثر که شرح أرجوزة عروضیه مرحوم علامه آیت الله میرزا مصطفی تبریزی، و نسخه آن به خط امام خمینی است، به وسیله محقق توانای کتاب حاضر، تحقیق شده و ان شاء الله به زودی به زیور

گستره ادب عربی

محقق محترم در قسمتی از مقدمه بسیار عالمانه و محققانه خود، به خصایص ادبی مؤلف علامه پرداخته و با اشاره به مفهوم گستره ادب عربی، مؤلف کتاب را دارای تسلط به چندین حوزه در این زمینه می‌داند که تنها سه زمینه آن را بیان می‌کنیم.

غنائی خزانه لغوی. نگاهی کوتاه به این کتاب و دیگر آثار مؤلف، نشان از داشتن خزانه لغوی پربار وی دارد و اینکه مؤلف برخلاف شماری دیگر از مؤلفان، از فقر لغت در رنج نبوده است. علامه آقا بزرگ تهرانی می‌فرماید: «وی آن چنان احاطه‌ای به مفردات لغت عرب دارد که مانند آن به ندرت در بین ادیبان پیدا می‌شود، چه رسد به عالمان»^{۲۴}

پرهیز از دوزبانه نگاری. شعر و نثر علامه مؤلف عربی خالص و به دور از شیوه متعارف در آثار ایرانیان عربی نویسنده است. وی در این وادی از آن چنان تبحری برخوردار است که علامه سید محسن امین می‌فرماید: «... شعر وی عربی خالص است که از زبان غیر عرب چیزی در آن راه نیافته و حال آنکه پس از ولادت مدتی را در بلاد عجم گذرانیده است»^{۲۵}

عنایت تام به صنایع ادبی. مروری هر چند کوتاه در آثار این ادیب فاضل، نشان از توفیق وی در این عرصه دارد؛ تا آنجا که می‌توان صنایع بدیع چون جناس، توریه و... را به وفور در دیوان وی یافت. استاد علی خاقانی در شعراء الغری در این مورد می‌فرماید: «شعروى متأثر از صفی‌الدین حلّی است... وی به بدیع و انواع آن عشق می‌ورزیده و توجهی خاص به نکات و ظرافت‌های ادبی داشته و اشعار وی سرشار از این نکات دقیق ادبی است»^{۲۶}

بستر آفرینش کتاب

بستر آفرینش چنین آفریده‌ای ماندگار در آسمان ادب زبان عربی، همان گونه که محقق ارجمند کتاب به تفضیل آن را ذکر نموده^{۲۷}، چنین است که مؤلف به مناسبت اتفاقی مبارک قصیده بسیار غنی و پربار «تنصّر» را در جمعی که همگی یا اکثر آنان، عالمان و ادیبان بزرگ عرب بوده‌اند، به عنوان تهنیت می‌خواند و این قصیده در آن جمع و سپس در مجامع ادبی نجف اشرف سخت مورد پذیرش واقع می‌شود. در پی آن مؤلف در چند جلسه قواعد فن شعر را بیان می‌دارد. این جلسات که همراه با مناظرات و بحث‌های فراوان از دو طرف بوده، باعث پذیرش بیان علامه نجفی می‌شود و پس از آن نامه‌هایی بین وی و دوست دیرینش، علامه شیخ هادی کاشف‌الغطاء، رد و بدل می‌گردد و بدین گونه کتاب حاضر در بستر آن مکاتبات و مناظرات پدید می‌آید.^{۲۸}

با نگاهی گذرا می‌توان این نکته را دریافت که نثر تمامی کتاب، فاخر، آهنگین و موزون است و انتخاب قسمتی از آن بسیار مشکل،

لیکن به عنوان نمونه قسمتی از عبارات کتاب نقل می‌شود تا ارزش این کتاب که بر آگاهان از ادبیات عرب پوشیده نیست، آشکارتر گردد:

«و أنت - أعزك الله - إن سئلت في شرع الشعر عن خیر مذاهبه، و طلبت إماماً تأتم به في مندرب النظم و واجبه، فعليك بجامع الألفاظ و المعاني، و الاقتداء بالقاضي الأرجاني، لكن مع ملاحظة تفاوت العصرين من ترك الألفاظ هي في زماننا و حشية، و الاكنار ممّا اشتهر بعده من الكلمات البديعية»^{۲۹}

تاریخ تدوین

گرچه تاریخ تدوین کتاب حاضر دقیقاً معلوم نیست و مؤلف نیز به آن تصریح ننموده، ولی محقق سختکوش کتاب - با توجه به آنچه در قسمت‌های قبل به آن اشاره شد - آن را در حدود نیمه دوم از دهه سوم قرن چهارم هجری می‌داند.

روش کار محقق

محقق فاضل و ارجمند کتاب برای احیا و ارائه چنین اثر ادبی گرانسنگی، آن هم به صورتی معرب، شکیل و چشم‌نواز، تلاش بسیاری نموده و در دست یافتن به این مقصود، موفق بوده است. او همان گونه که خود در مقدمه یادآور شده است، برای احیای این اثر مراحل را پیموده که همگی لازم است و در خور تقدیر.

نخست سخن از نام کتاب به میان آورده و در این میان به عنوان اختلافی که برای نام کتاب وجود دارد، با توجه به این نکته که حدود صدسال از تألیف کتاب می‌گذرد، عنوان صحیح را برگزیده و دلیل انتخاب خود را هم ذکر کرده است.

وی در تلاشی افزون، تسهیل در استفاده بیشتر طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان رشته‌های ادبیات عرب، کتاب را اعراب‌گذاری و پس از آن کلمات غریب و دور از ذهن خواننده، مخصوصاً خواننده فارسی زبان را مشخص کرده و توضیحی پیرامون آن ارائه داده است.

کار دیگری که پژوهشگر پرتلاش انجام داده و بدین گونه بر غنای تحقیق خود افزوده، تنظیم تعلیقات کتاب است که مجموعاً ۴۰۸ مورد و در سه محور است که شامل ارائه توضیحی کوتاه درباره

۲۴. نقیه البشر، ج ۲، ص ۷۴۹.

۲۵. إعیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۷.

۲۶. شعراء الغری، به نقل از دیوان ابی‌المجد، ص ۱۷.

۲۷. ر. ک: السیف الصنیع علی رقباب منکری علی البدیع، مقدمه مصحح، ص ۴۰.

۲۸. این نوشتار، خصوصاً این قسمت، از مقدمه فارسی زیبا و روان محقق محترم کتاب السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع سود فراوان برده‌ام که از وی سپاسگزارم.

۲۹. ر. ک: السیف الصنیع، ص ۱۶۶.

اعلام، ابیات، کتاب‌ها و اصطلاحات ادبی مندرج در متن است. از دیگر اقدامات محقق فاضل، قرار دادن دورنمایی از مهم‌ترین نظریات مؤلف علامه، البته به صورت اختصار، فراروی خواننده کتاب است.

یکی دیگر از نقاط قوت و تحسین برانگیز این تحقیق، ابراز قدرشناسی محقق محترم است از تمامی کسانی که وی را به گونه‌ای در آفرینش چنین اثری بشکوه یاری نموده‌اند. ارزش این شیوه حسنه در جایی نمود می‌یابد که برخی دیگر، تلاش دیگران را به راحتی به نام خود رقم می‌زنند و به عنوان نمونه، کتابی از علامه مجلسی در سال ۱۳۸۲ ش تحقیق و ویرایش و نشر شده است که در ابتدا و انتهای کتاب این دو جمله جلب توجه می‌کند: در مقدمه کتاب صفحه ۱۰، محقق و ویراستار چنین می‌نویسد: «نسخه مورد اتکای ما در کار نمونه خوانی، نسخه موجود در کتابخانه آیت الله نجفی بوده است» و در دو سطر پایانی کتاب صفحه ۷۹۳-۷۹۴ این عبارت به چشم می‌خورد: «تحقیق و تصحیح این کتاب شریف در روز دهم ماه شوال سال ۱۳۰۱ ق به دست این فقیر ناچیز سید مهدی رجائی در بلد مقدسه قم حرم اهل البیت و عش آل محمد (ص) تمام گشت». رفع تناقض میان این دو جمله را برعهده خواننده محترم می‌گذاریم. شاید خوشبینانه‌ترین قضاوت این باشد که محقق محترم کتاب فراموش نموده که به حر و فچین خود سفارش کند که دو سطر پایانی کتاب را حذف نماید، و *إلی الله المشتکی*.

تذکر دو نکته

قبل از پایان یافتن این نوشتار، ضمن تبریک به محقق محترم برای تحقیق عالمانه این اثر ارزشمند، دو نکته برای بهتر شدن این اثر یادآوری می‌گردد.

اول: محقق محترم به هنگام برشمردن علوم مختلفی که مؤلف آن‌ها را فرا گرفته، از علم اخلاق نام برده و چنین نوشته است: «علم الاخلاق العلامة الحجة الشيخ محمدباقر البهاری الهمدانی، من اعظام تلامیذ شیخ العارفین الملاحسینقلی الهمدانی - قدس سرهما».^{۳۰}

در عبارت فوق چند نکته درخور توجه است:

الف) همان گونه که محقق در قسمت التعقیبات علی التقدمة ذکر نموده، مرحوم علامه شیخ محمد باقر بهاری همدانی از شاگردان درس فقه مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی بوده و آرای فقهی و اصولی استاد خود را به رشته تحریر در آورده:

«... و اشتغل فیها بتحریر آرائه الفقهیة و الاصولیة ...».^{۳۱}

ب) یکی دیگر از شاگردان مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی، مرحوم شیخ محمد بهاری همدانی است که از وی تعبیر

به اعظام تلامذة (عرفانی - اخلاقی) آخوند همدانی می‌شود و شاید تشابه دو نام باعث درج نام وی به عنوان استاد مؤلف شده است.

ج) همان گونه که استاد محترم آیت الله حاج آقا هادی نجفی، در مقدمه خویش به رساله أمجدیه (ص ۲۶) و کتاب قبیلۀ عالمان دین (ص ۹۰) و همچنین محقق محترم در همین کتاب (ص ۱۹ مقدمه) به هنگام یاد کرد از مشایخ روایی مؤلف، مرحوم علامه شیخ محمدباقر همدانی را نیز نام برده‌اند، وی از مشایخ مؤلف است و نه از اساتید مؤلف و استاد اخلاق و سیر و سلوک مؤلف، مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی بوده است.

دوم: محقق در مقدمه، در قسمت «عملي في تحقیق الكتاب»، مراحل پنج‌گانه‌ای را که برای احیای این اثر پیموده، بیان می‌کند و در مرحله سوم ضمن اشاره به این مطلب که در این کتاب به صورت گسترده از کلمات دور از ذهن - مخصوصاً فارسی زبانان - استفاده شده است، برای سهولت در فهم منظور مؤلف محترم، در آخر کتاب قسمتی را به توضیح لغات مشکل اختصاص داده و نوشته است: «ثم تمت بتنظیم ثبت لمعانی المفردات الغریبیه، و ذلك لأن الكتاب مملوك منها و هی غریبیه عن أذهان كثير من أبناء الفرس»^{۳۲}، ولی: الف) یا اینکه محقق، لغات مشکل را با علامت ستاره مشخص نموده، ولی در مقدمه هیچ اشاره‌ای به این نکته نکرده است.

ب) برخی از لغات که این علامت مشخص شده، در قسمت «ثبت معانی غریب الألفاظ» وجود ندارد؛ مانند دو کلمه «شذاه» و «بالخیری»^{۳۳} که روی هر دو کلمه علامت قرار داده شده است و کلمه قاسی^{۳۴} نیز این چنین است.

ج) در یک مورد محقق محترم کلمه‌ای را با ستاره مشخص نموده و در قسمت «ثبت معانی غریب الألفاظ» نیز آن را ذکر کرده، ولی توضیحی درباره آن ارائه نشده، و آن کلمه متنکب در صفحه ۲۰۸ است. و پایان این نوشتار را شعری از زبان علامه نجفی قرار می‌دهیم که:

«ألا إن شكل المال في الدهر منتج
ولكن شكل العلم فيه عقيم
ضمن يشترى مني جميع فضائلی
فإني بأنحاء العلوم علیم
فقیة اصولی أديب مفسر
طیب بصیر بالنجوم حکیم
وماذا انتفاعی بالأصالة والحجی
إذا قیل هذا مقتر و عديم».^{۳۵}

۳۰. السیف الصنیع، ص ۱۶.

۳۱. همان، ص ۶۴.

۳۲. همان، ص ۵۸.

۳۳. همان، ص ۷۸.

۳۴. همان، ص ۱۱۲.

۳۵. ر. ک: دیوان أبي المجد، ص ۱۲۳؛ السیف الصنیع، ص ۲۵.